

افزایش دستمزد به بالای خط فقر یک ضرورت مبرم و حیاتی است

با وجود آنکه به پایان سال ۹۱ نزدیک شده‌ایم، اما هنوز هیچگونه چشم‌انداز روشنی برای افزایش میزان حداقل دستمزد به نحوی که تأمین کننده نیازهای خانوار کارگری باشد، دیده نمی‌شود. بر طبق برآورد جدید بانک مرکزی متوسط نرخ تورم در سال جاری، در اسفند ماه به ۳۲ درصد می‌رسد. این ادعا در حالی مطرح می‌شود که حتی به اعتراف برخی رسانه‌ها، افراد و نهادهای حکومتی، میزان تورم بسی بیشتر از این رقم است و از ۶۰ درصد نیز تجاوز می‌کند. سایت تابناک در تاریخ ۱۸ بهمن به نقل از یک محقق و کارشناس اقتصادی به نام "استیو هانکه" که تخصص وی در زمینه تشخیص و مطالعه تورم‌های حاد است و ایران را دچار "تورم حاد" می‌داند، اعلام نمود، میانگین نرخ تورم سال جاری در ایران به ۱۲۱ درصد رسیده است!

نفس اعلام یک نرخ تورم غیر واقعی و ساختگی توسط بانک مرکزی، نشان دهنده آن است که دولت به سیاق گذشته و با کتمان نرخ تورم واقعی، در نظر دارد امسال نیز رقم ناچیزی بر حداقل دستمزدها اضافه کند و در محاسبات خود هنگام تعیین حداقل دستمزد، نه فقط واقعی به نیازهای یک خانوار کارگری نگذارد، بلکه نرخ تورم واقعی را نیز مثل همیشه از این محاسبه حذف کند. این شیوه، که ادامه و تکرار روش دولت در سال‌های گذشته است و در واقع به روال کار دولت جمهوری اسلامی تبدیل شده است، هم از این جنبه که تعیین حداقل دستمزد، بر پایه نرخ تورم کمتر از تورم واقعی در سال جاری تعیین می‌شود (به فرض آنکه حتی نرخ تورم اعلام شده مبنای تعیین حداقل دستمزد قرار بگیرد، که نمی‌گیرد) و هم از این بابت که قیمت کالاها و نرخ تورم در سال آینده نیز افزایش خواهد یافت که این افزایش، در تعیین حداقل دستمزد وارد و محاسبه نمی‌شود، در طول سال‌های متوالی، شکاف و دره عمیقی را میان دستمزدهای واقعی و هزینه‌های یک خانوار کارگری ایجاد نموده است. با تکرار و توالی این روش، فاصله میان دستمزدهای کارگری و هزینه‌ها پیوسته افزایش یافته، قدرت خرید کارگران و در نتیجه سطح معیشت خانوارهای کارگری مدام کاهش یافته و به وضعیت فاجعه‌بار کنونی رسیده است. این روند در تداوم خود، اکنون به جایی رسیده و اوضاع به قدری وخیم گشته است که حتی نمایندگان مجلس ارتجاع و تشکل‌های ضد کارگری وابسته به حکومت نیز به افست شدید قدرت خرید کارگران و نیز به این موضوع که تعیین حداقل دستمزد به روال تاکنونی، پاسخگوی نیازهای کارگری نیست، اعتراف می‌کنند.

این واقعیت بر کسی پوشیده نیست که دولت و شورای عالی کار آن هنگام تعیین حداقل دستمزد، هیچگاه نیازهای واقعی یک خانوار کارگری و یا سبد هزینه یک خانوار کارگری را به عنوان یک فاکتور پایه‌ای وارد محاسبات خود نکرده‌اند. امروز همه‌گان به این واقعیت و واقعیت‌هایی از این دست اعتراف می‌کنند که در حال حاضر یک کارگر برای آنکه بتواند نیازهای زندگی خود و خانواده‌اش را آنهم در اندازه حداقل‌ها، تأمین کند، حداقل دستمزد ماهانه‌اش باید به حدود ۲ میلیون تومان افزایش پیدا کند. کمیته دستمزد "کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران ایران" که یک نهاد وابسته به حکومت است، اخیراً یک برآوردی از سبد هزینه کارگری بدست داده است. این "کمیته" با لحاظ کردن میزان کالری مصرفی انسان در سبد کالریک سازمان خواروبار جهانی که با ۱۶ قلم کالا تنظیم شده است، با اخذ قیمت‌های متنوع از استان‌ها،

مبادرت به تنظیم میانگین هزینه‌های این کالاها نموده است. بر طبق این محاسبه، این ۱۶ قلم کالا (نان، انواع برنج، ماکارونی، سیب زمینی، عدس (حبوبات)، گوشت قرمز، مرغ، تخم مرغ، پنیر، میوه، سبزی‌های برگ سبز، دیگر سبزی‌ها، روغن مایع، شکر، ماست، شیر) نسبت به سال گذشته، با تورمی معادل ۶۱/۷ درصد روبرو بوده اند. بر پایه محاسبه این نهاد، برای تهیه این ۱۶ قلم کالای خوراکی پر مصرف و مورد نیاز یک خانوار ۴ نفره کارگری (دو بزرگ سال و دو خردسال) بر مبنای ۱۸۰۰ و ۲۰۰۰ کالری، در سال جاری مبلغ ۴۶۰ هزار و ۱۹۸ تومان در ماه مورد نیاز بوده است. این در حالی‌ست که میزان حداقل دستمزد در سال ۹۱، ۳۸۹ هزار و ۷۰۰ تومان بوده است. به عبارت دیگر هرکارگر برای تأمین نیازهای فقط خوراکی خود و خانواده‌اش، ماهانه مبلغ ۷۱ هزار و ۱۹۸ تومان کسری داشته است!

گرچه همین یک نکته کافی‌ست تا گرسنگی، فقر و فلاکت دهشتناک و زندگی فاجعه‌باری که رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی بر کارگران ایران تحمیل نموده است از پرده برون افتد، اما این هنوز تمام مسأله و تمام فاجعه نیست. چرا که کارگر و خانواده‌اش علاوه بر هزینه خوراکی‌ها که برای تأمین آن هر ماهه بیش از ۷۱ هزار تومان کسری می‌آورد، هزینه مسکن، پوشاک، بهداشت و درمان، حمل و نقل، تحصیل فرزندان و سایر هزینه‌ها را نیز باید از همین دستمزد تأمین کند! "کمیت" و "کانون" یاد شده بر پایه همین محاسبه و با در نظر گرفتن میانگین هزینه‌های ۱۶ قلم کالاهای خوراکی به این نتیجه رسیده است که میزان حداقل دستمزد در سال ۹۲ باید برابر با یک میلیون و ۸۴۳ هزار و ۵۹۲ تومان باشد که تازه کارگر بتواند نیازهای غذایی خود و خانواده‌اش را تأمین و در مرز خط فقر زندگی کند!

این‌ها ارقام و اعدادی هستند که توسط عمال رژیم و کارگزاران سرمایه محاسبه و ارائه شده اند! اوضاع چنان وخیم و فلاکتی که بر سر کارگران و خانوارهای کارگری آوار گشته به قدری شدید و کم سابقه است که نه فقط برخی از نمایندگان مجلس ارتجاع و کارگزاران ریز و درشت سرمایه در تشکل‌های به اصطلاح کارگری وابسته به رژیم به آن اعتراف می‌کنند و افزایش حداقل دستمزد بر پایه نرخ تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی و یا حتی افزایش صد درصدی میزان حداقل دستمزد را کافی نمی‌دانند، بلکه خود سرمایه‌داران نیز که نمی‌توانند فلاکت و بدبختی کارگران را حاشا و یا آن را پنهان سازند، با این‌ها هم‌صدا گشته و حتی ۵ برابر شدن دستمزد کارگران را پاسخ‌گوی معیشت خانوارهای کارگری نمی‌دانند!

"حمزه درواری" عضو هیأت مدیره "کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایان کشور"، که پیش از این نمایندگی کارفرمایان در شورای عالی کار را نیز برعهده داشته است، ضمن انتقاد از سیاست‌گذاری‌ها و عدم اجرای تعهدات دولت می‌گوید "در سال گذشته هنگام تعیین دستمزد، دولت اعلام کرد که از محل یارانه‌ها، سهام عدالت و بن خرید، معیشت کارگران را تأمین می‌کند، برای همین هم ۱۸ درصد افزایش دستمزد به تصویب رسید اما هیچکدام از این مؤلفه‌ها برای افزایش قدرت خرید کارگرام مؤثر نبود".

"درواری" در ادامه سخنان خود ضمن اشاره به این موضوع که "کارفرمایان مسئول تأمین معیشت و افزایش قدرت خرید کارگران نیستند" می‌گوید "اگر حقوق کارگران ۵ برابر هم شود، با رکود و تورم فزاینده کنونی، معیشت خانوار کارگری باز هم در مخاطره است" نماینده سرمایه‌داران در پاسخ به این

پرسش که بهترین رقم برای افزایش دستمزد سال آینده چیست؟ می‌گوید "کارفرما نمی‌تواند حتی یک درصد هم به حقوق کارگران اضافه کند!"

سرمایه‌داران لم داده بر ثروت‌های باد آورده و بر ارزش‌های اضافه‌ی آفریده شده توسط طبقه کارگر، گرچه به حکم جایگاه و موقعیت طبقاتی خود، همواره با افزایش دستمزدها مخالف بوده و هیچگاه با رضایت، دستمزدهای کارگری را افزایش نداده‌اند، اما در شرایط بلبشو و بحرانی کنونی و در تحت حمایت‌های بی‌دریغ دولت ارتجاعی حاکم، به آن درجه وقیح و گستاخ گشته‌اند که با هر اندازه افزایش دستمزد، ولو یک‌درصد هم مخالفت می‌ورزند. "حمزه درواری" عضو هیأت مدیره انجمن صنفی سرمایه‌داران که زبان گویای این طبقه است، بی‌شرمی و لاقیدی سرمایه‌داران در قبال زندگی کارگران و معیشت خانواده‌های کارگری را به حدی رسانده است که به‌رغم اعتراف به این واقعیت تلخ که اگر کارگران یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان حقوق بگیرند و یا اگر دستمزدهای کارگری حتی ۵ برابر افزایش پیدا کند اما باز هم معیشت کارگری در معرض مخاطره باقی می‌ماند، با این وجود حاضر نیست حتی یک درصد هم بر حداقل دستمزدها اضافه شود! گستاخی و ظلم در حق کارگر از این بیشتر؟ گستاخی و ظلم در حق کارگر از این بیشتر که سرمایه‌داران در حالیکه بر ثروت‌های افسانه‌ای حاصل دسترنج کارگران تکیه زده‌اند، در کاخ‌ها، برج‌ها، عمارت‌ها، آپارتمان‌ها و ویلاهای شیک مجهز به تمام امکانات، زندگی می‌کنند، اتوموبیل‌های خارجی لوکس و آخرین مدل برای خود و فرزندان‌شان تهیه کرده‌اند، از بهترین نعمات زندگی استفاده می‌کنند و پول‌های هنگفتی را در حساب‌های بانکی خود خوابانده‌اند، همینکه سخن از اندک افزایشی بر دستمزدها به میان می‌آید با آن مخالفت می‌کنند!؟

گستاخی و ظلم از این بیشتر در حالیکه مدیران ارشد شرکت‌ها و کارخانه‌ها حقوق‌های ده میلیون تومانی [۱] و چند ده میلیون تومانی و پاداش‌های چند صد میلیون تومانی دریافت می‌کنند، همینکه سخن از افزایش میزان حداقل دستمزدهای کارگری به میان می‌آید آن هم به میزانی که نیازهای زندگی کارگر و خانواده‌اش را در اندازه حداقل‌ها تأمین کند، سرمایه‌داران سریعاً با آن مخالف می‌کنند و فوراً دعوای خود با دولت را پیش می‌کشند که چرا دولت به تعهدات خود عمل نکرده است!؟

گستاخی و ظلم از این بیشتر در حالیکه دستمزدهای کارگر برای تأمین حداقل مواد غذایی ضروری خانوار کفایت نمی‌کند و در شرایطی که چند برابر دستمزد خود را باید برای اجاره بیغوله‌هایی به نام مسکن بپردازد و نیمی از آن را صرف بهداشت و درمان و معالجه بیماری‌هایی نماید که محصول زندگی فقیرانه‌ای است که سرمایه‌دارانی از قماش "حمزه درواری"ها بر کارگر تحمیل کرده‌اند، اما سرمایه‌دار با علم به همه این‌ها باز هم حاضر نیست از سود خود بکاهد و دستمزد کارگر را افزایش دهد؟ برعکس فرصت را مغتنم شمرده، از ضعف و استیصال کارگر استفاده می‌کند و باز هم بر شدت استثمار و بهره‌کشی از کارگر می‌افزاید و البته که عمل خود را توجیه هم می‌کند. آری "هنگامی که سرمایه به مناسبت شرایط خطرناک و ناشایستی که کارگران را از حیث کار و مسکن به آن محکوم ساخته است با "افکار عمومی" و یا با پلیس صحی اختلاف پیدا می‌کند، به هیچ وجه رودربایستی ندارد از اینکه عمل خود را "توجیه کند" و بگوید این وضع برای بهره‌کشی سودآورانه کارگر ضروری است" [۲]

روشن است که دعوا یا اختلاف کارفرمایان با دولت که خود کارفرمائی بزرگ و یا بزرگترین کارفرماست، ربطی به کارگران و طبقه کارگر ندارد. ربطی اگر در این مورد وجود داشته باشد همانا این است که سرمایه‌داران بر سر تصاحب و تسلط بر سهم بیشتری از ارزش اضافه‌ای که طبقه کارگر آفریده است و می‌آفریند با یکدیگر به منازعه می‌پردازند. هرکارگری این را می‌داند که دولت به عنوان یک کارفرما و سرمایه‌دار بزرگ دست در دست سایر کارفرمایان و سرمایه‌داران و بطور کلی این طبقه سرمایه‌دار است که در عین استثمار خشن و بیرحمانه طبقه کارگر، اما حتا دستمزدی را که کارگر بتواند با آن نیازهای خود و خانواده‌اش را تأمین کند، به او نمی‌پردازد.

ایلنا روز ۲۰ بهمن از قول حبیبی عضو کمیته تعیین دستمزد، از احتمال افزایش حداقل دستمزد به ۴۸۰ هزار تومان، یعنی افزایشی حدود ۱۸ درصد خبر داد. در حالیکه تأمین فقط نیازهای خوراکی یک خانوار چهار نفره کارگری، طبق برآورد نهادهای حکومتی، ماهانه نزدیک به ۲ میلیون تومان هزینه برمی‌دارد، کارگر با این ۴۸۰ هزار تومان چگونه می‌تواند هزینه‌های زندگی را تأمین کند؟ وقتی که به گفته محسن رضائی دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، از هم‌دستان رفیق‌دوست و یکی از قاتلین توماج و دیگر رهبران شوراهای ترکمن صحرا، ۱۰۰۰ تومان پارسال معادل ۳۰۰ تومان در سال جاری است یعنی ارزش ریال به کمتر از یک سوم سال قبل سقوط کرده است، کارگر با این ۴۸۰ هزار تومان که ارزش آن از ۱۵۰ هزار تومان در سال گذشته هم کمتر است، چه می‌تواند بکند و زندگی خود را چگونه باید اداره نماید؟

واقعیت این است که بسیاری از کارگران صرف نظر از آنکه خودشان برای تأمین معاش، از روی اجبار به اضافه‌کاری و کار دوم و سوم و همسرانشان به کارهای مختلف و در بهترین حالت به کار نظافت در خانه متمکنان و ثروتمندان روی آورده‌اند و فرزندانشان نیز به عنوان کودکان کار، بخشی از هزینه‌های زندگی را تأمین می‌کنند، با این وجود خانواده‌های کارگری باز هم در فقر و گرسنگی و فلاکت و بدبختی زیسته‌اند. آخر کارگران ایرانی مگر چه خطائی را مرتکب شده‌اند که حتا نرُم‌های کشورهای سرمایه‌داری هم نباید در مورد آن‌ها اجرا شود؟ مگر نه این است که طبق همین نرُم‌ها و قواعد، به کارگر باید مزدی پرداخت شود که با آن بتواند نیازهای خود و خانواده‌اش اعم از خوراک، پوشاک، مسکن، هزینه‌های تحصیلی و فرهنگی و امثال آن را تأمین کند؟ مگر نه این است که بر طبق همین قواعد، کارگر با پولی که در قبال فروش نیروی کار خود دریافت می‌کند، باید بتواند قوای خویش را تجدید و نیروی کار را در مقیاس کلی بازتولید کند؟ مگر نه این است که ارزش نیروی کار کارگر را سرمایه‌دار در شکل دستمزد باید به کارگر بپردازد؟ "نیروی کار تنها به عنوان توانائی فرد زنده وجود دارد. بنابراین وجود آدمی پیش انگاشت تولید نیروی کار است. تولید نیروی کار با توجه به وجود فرد، عبارت است از باز تولید او یا حفظ و نگهداری او، انسان برای حفظ و نگهداری خود نیازمند مقدار معینی وسائل معاش است... اگر مالک نیروی کار امروز کار کند، فردا باید بار دیگر قادر به تکرار همان فرایند در همان شرایط تندرستی و قدرت باشد. بنابراین وسائل معاش او باید برای حفظ و نگهداری‌اش در حالتی متعارف به عنوان فردی کارکن کافی باشد... مالک نیروی کار فانی است. پس اگر قرار است حضور او در بازار مداوم باشد و تبدیل مداوم پول به سرمایه مستلزم چنین فرضی است، آن‌گاه فروشنده نیروی کار باید خود را جاودانه سازد" به همان ترتیب که هر موجود زنده خود را جاودانه می‌کند یعنی با زاد و ولد" به جای نیروی کاری

که در نتیجه فرسودگی و مرگ از صحنه بازار خارج می‌شود، باید پیوسته دست کم همان میزان نیروی کار تازه نشانده شود. به همین دلیل، مجموع وسائل معاش لازم برای تولید نیروی کار باید شامل وسائل ضروری برای جایگزینی کارگر، یعنی فرزندان او باشد تا این تبار از مالکان کالایی خاص بتواند حضور خود را در بازار تداوم بخشد" [۳]

پس چگونه است که سرمایه‌داران ایرانی و "حمزه درواری"ها به معیشت کارگران بی توجه‌اند و نسبت به رعایت تمام این ملزومات، خود را به تغافل می‌زنند، ارزش نیروی کار را به کارگر نمی‌پردازند و جز به استثمار خشن و حداکثری در لحظه حاضر ولو به قیمت فرسودگی شدید و پیش از موقع نیروی کار، به چیز دیگری نمی‌اندیشند؟ چگونه است که دستمزدهای کارگری حتا به اعتراف نهادهای به اصطلاح کارگری وابسته به دولت، نه فقط کفاف مخارج یک خانوار کارگری را نمی‌دهد، بلکه کارگر با آن، حتا هزینه خوراکی‌های ضروری خود و خانواده‌اش آن‌هم در اندازه حداقل و در حد ادامه حیات را نمی‌تواند تأمین کند؟ آیا جز این است که طبقه سرمایه‌دار با استثمار حداکثری و بهره برداری از شرایط بحرانی موجود، اراده‌گرایانه یا غیر ارادی اما به طیب خاطر، فقر و فلاکت مرگبار و غیر قابل تحملی را بر طبقه کارگر تحمیل نموده است تا کارگر گرفتار آمده در این تنگنا، به هرگونه فشار کار و بی حقوقی بیشتر، ظلم و ستم و استثمار بیشتر و دستمزد کمتر تن دهد و سودهای بازم بیشتر و سرشارتری را نصیب طبقه سرمایه‌دار سازد؟ آیا جز این است که طبقه سرمایه‌دار حاکم، در این جنگلی که وحوش بر آن حکمرانی می‌کنند، تنها و تنها در اندیشه آن است که تا این وضع ادامه دارد و هنوز این سیستم از هم نپاشیده است، نهایت استفاده را ببرد، استثمار را تا ورای ممکن‌ها تشدید کند به بهای تحمیل ضعف و ناتوانی بر نیروی کار، ممانعت از ترمیم و باز تولید نیروی کار و حتا به بهای انهدام تدریجی نیروی کار، بر سودهای خود بیافزاید؟

طبقه کارگر ایران که این تلاش‌ها را از نزدیک دنبال می‌کند و به شدت از آن متنفر است باید در برابر آن بایستد. طبقه کارگر ایران از جمهوری اسلامی و نظم حاکم متنفر است. طبقه کارگر ایران از زورگویان، ستمگران و استثمارگران منزجر و متنفر است. طبقه کارگر ایران که اساساً برای براندازی نظم سرمایه‌داری و نابودی استثمار انسان از انسان مبارزه می‌کند باید در برابر این تلاش‌ها و در برابر حرص و آز سرمایه‌داران بایستد! کارگران و خانواده‌های کارگری، تشکل‌های کارگری، تشکل‌های فعالان کارگری، کارگران آگاه و پیشرو، همه و همه در برابر این هجوم مغول‌آسائی که کمترین عارضه‌اش تباهی زندگی کارگران و خانواده‌های کارگری است باید بایستند و در مقابل آن واکنش اعتراضی و شایسته‌ای نشان دهند. بدون مبارزه هیچ بهبودی در وضع موجود حاصل نخواهد شد. امروز که خط فقر یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومان است، افزایش دستمزد به بالای خط فقر و نیز مبارزه برای افزایش دستمزد، به ضرورتی مبرم و حیاتی برای طبقه کارگر تبدیل شده‌اند.

زیر نویس‌ها:

۱- برای نمونه و همانطور که در جریان پرونده اختلاس سه هزار میلیارد تومانی گروه منصور آریا فاش شد، محمد جهرمی، وزیر کار سابق احمدی نژاد و مدیر بانک صادرات، ماهانه ۳۰ میلیون تومان حقوق می‌گرفته است.

۲- کارل مارکس - کاپیتال جلد اول - ترجمه ایرج اسکندی

۳ - کارل مارکس - کاپیتال جلد اول - ترجمه حسن مرتضوی

نقل از نشریه کار ارگان سازمان فدائیان(اقلیت)- شماره ۶۳۹ نیمه دوم بهمن ۱۳۹۱